

## دورنمای اقتصاد جهان، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

ترجمه: مجید یاوری<sup>۱</sup>

سال گذشته به دلیل تغییرات سیاسی شگرف در خاورمیانه و شمال آفریقا فعالیت‌های اقتصادی این منطقه بطور اساسی دچار اختلال گردید. در حال حاضر نیز این منطقه با آشوب‌های داخلی و چالش‌های محلی مواجه است که این امر بر مواضع این کشورها تأثیر گذارده و آنها را به سوی اصلاحات اقتصادی و سیاسی سوق داده است.

گزارش دورنمای اقتصاد جهان، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که توسط بانک جهانی تهیه شده است به بررسی اوضاع اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که تحت تأثیر تحولات سیاسی منطقه و نیز بحران مالی بین‌المللی قرار داشته‌اند، می‌پردازد و نتایج بررسی بطور خلاصه به شرح ذیل می‌باشد:

در کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت خام به دلیل نبود فضای مالی هدفمند، فعالیت اقتصادی را کد، تقلیل اندوخته‌ها و استمرار یافتن تنش‌های اجتماعی شرایط مقابله با ناآرامی‌ها مناسب نیست، اما در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (اگر درگیری‌های داخلی در آنها وجود نداشته باشد) شرایط بهتری برای تحمل آثار بحران وجود دارد، چرا که انتظار نمی‌رود قیمت نفت در مواجهه با کاهش تقاضا افت کند.

عدم توفیق در دستیابی به ثبات سیاسی و اقتصاد کلان در برخی از این کشورها تردیدها را افزایش داده و فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را در پایین‌ترین سطح نگه داشته است که احتمالاً این روند مدتی دیگر به طول می‌انجامد.

رشد GDP در کشورهای در حال توسعه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۱، ۱/۷ درصد تخمین زده شد که نسبت به سال ۲۰۱۰ کاهش نشان می‌دهد (۳/۶ درصد) اما به نظر می‌رسد

\* این گزارش ترجمه‌ای از منبع زیر است:

World Bank Global Economic Prospects (2012), "Uncertainties and Vulnerabilities in Middle East and North Africa", January, Vol. 4.  
majidyavari@rocketmail.com

۱. مترجم دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی.

رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۲ ملایم باشد و شرایط به کندی بهبود یابد، به ویژه اینکه هزینه‌های مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. همچنین، پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۳ به ۳/۲ درصد برسد و آشوب‌ها در برخی کشورها پایان یابند.

یکی از منابع قدرت در اقتصاد گسترده خاورمیانه و شمال آفریقا منابع عظیم نفت و گاز طبیعی آن است. در مجموع درآمد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از منابع هیدروکربنی در سال ۲۰۱۱ به ۷۸۵ میلیارد ریال دلار رسید که کشورهای در حال توسعه نفتی (الجزایر، ایران، سوریه و یمن) ۵۰ میلیارد دلار از ۲۰۰ میلیون دلار افزایش در این سال را به خود اختصاص دادند.

در فصل اول سال ۲۰۱۱ برخی کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت خام شاهد کاهش تولیدات صنعتی یا GDP بودند که این امر تا حد زیادی ناشی از اختلال‌ها و آشوب‌های هفته‌های اولیه اعتراضات بود. رشد حجمی صادرات کالا در تمام سال، به خصوص برای کشورهای واردکننده نفت ضعیف بود که این امر بیانگر تأثیر اختلال‌های گسترده مربوط به ناآرامی‌های کشورهای عربی تأثیر تقریباً غیرمستقیم زلزله "توهوکو" ژاپن و نوسان‌های اقتصادی اخیر اروپا و کاهش تقاضای واردات ناشی از آن است.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در اواخر سال ۲۰۱۰ و سال ۲۰۱۱ از افزایش شدید قیمت نفت خام سود بردند. در ماه آوریل قیمت نفت خام به ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسید و درآمدهای حاصل از نفت و گاز ۲۵ درصد افزایش یافت و به ۴۴ میلیارد دلار رسید.<sup>۱</sup>

در ایران علیرغم تحریم‌های بین‌المللی به دلیل افزایش قیمت نفت و تولید مناسب محصولات کشاورزی رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۱ به ۲/۵ درصد رسید. ارزیابی تحلیلی‌گران خارجی از نحوه بازنگری سیستم یارانه‌ها و پرداخت‌های نقدی و وضعیت حساب‌های دولتی مناسب بوده است.

کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۲ روند میان‌مدت شروع شده از سال ۲۰۰۹ را تداوم بخشید. ورود سرمایه به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۱ پس از مجموع کاهش ۲۵ درصدی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، ۴۵ درصد کاهش یافت.

کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (بجز ایران) در مجموع شاهد افزایش مازاد حساب جاری از ۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۴۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ بودند که دلیل اصلی آن درآمدهای بالاتر نفتی بود. این امر به ایجاد یک اندوخته ۲/۴ میلیارد دلاری منجر گردید. برعکس، کشورهای واردکننده نفت شاهد کاهش ۱۷ درصدی (۱۳ میلیارد دلاری) اندوخته‌های خود و رسیدن

۱. به گزارش مرکز آمار ایران نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۸۹ ۶/۵۴ درصد و در سال ۱۳۹۰ ۵/۲ درصد بوده است.

آنها به ۶۷ میلیارد دلار بودند. با این حال، پیش‌بینی‌ها حاکی از بهبود نسبی شرایط و شتاب گرفتن رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده نفت است.

در برخی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت از جمله ایران و الجزایر نرخ رشد متوسطی پیش‌بینی می‌گردد، بطوری که رشد اقتصادی آنها از ۲/۷ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۳ درصد در سال ۲۰۱۳ خواهد رسید. باید اشاره کرد که تزلزل‌های شدیدی در این منطقه وجود دارد اعتراضات مستمر در جهت انجام اصلاحات سیاسی-اقتصادی و همچنین مواجهه با بحران واقعی در منطقه یورو از این دست هستند، اما اگر این شرایط بی‌ثبات و متزلزل، علیرغم تلاش‌های دوجانبه و چندجانبه برای مدت طولانی‌تری ادامه یابد این تزلزل همچنان بر منطقه سایه خواهد افکند.

خاورمیانه و شمال آفریقا به شدت در معرض تشدید بحران در اروپا، کاهش گردشگران ورودی، ارسال وجوه مهاجران و همچنین میزان تأمین سرمایه هستند و با فرا رسیدن ناآرامی‌ها در برخی از کشورها فرایند تصمیم‌گیری سیاستی به شدت با مشکل مواجه شده است. ممکن است سیاست‌ها برای دفع کردن تأثیرات نامطلوب ناشی از شرایط اروپا و تحولات جایگزین احتمالی در جهت پایان بخشیدن به بحران آن قاره بار دیگر تغییر کنند اگرچه در کشورهای واردکننده نفت و برخی کشورهای صادرکننده نفت منطقه فضا برای مانور دادن محدود است.

اگر بتوان کسری‌های مالی را از طریق بازارهای سرمایه بین‌المللی جبران کرد، آنگاه دامنه تغییرات GDP کشورهای واردکننده نفت می‌بایست بین ۱/۲ درصد تا ۰/۸ درصد و دامنه تغییرات GDP کشورهای صادرکننده نفت بین ۰/۶ درصد تا ۰/۲ درصد باشد.

### ۱. نگاهی اجمالی به وضعیت اقتصادی منطقه

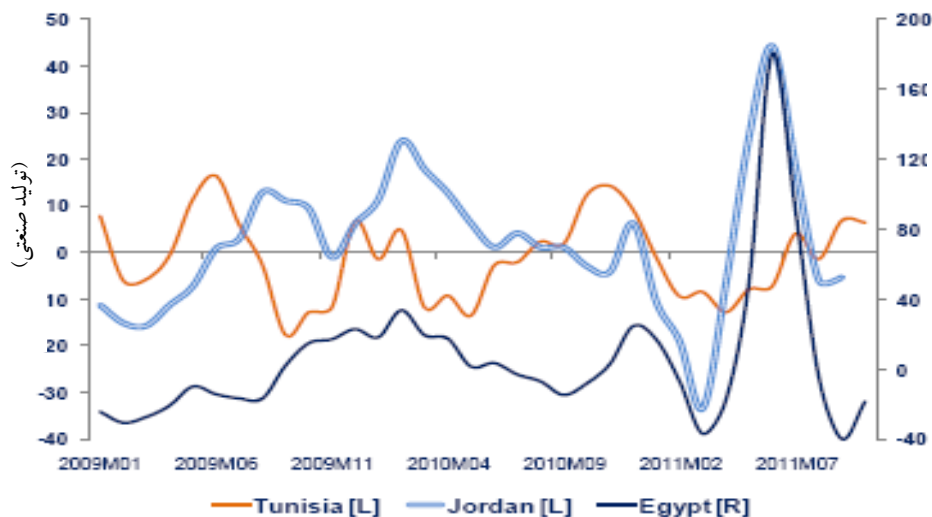
تغییرات سیاسی شگرف سال گذشته در خاورمیانه و شمال آفریقا فعالیت اقتصادی را بطور اساسی مختل کرد. در حال حاضر این منطقه با دو مجموعه از تنش‌ها و تردیدها مواجه است که مهم‌ترین آنها ادامه آشوب‌های داخلی و چالش‌های محلی است که بر مواضع این کشورها تأثیر گذارده و آنها را به سوی اصلاحات اقتصادی و سیاسی سوق داده است. در این زمان فضای خارجی این کشورها به ویژه در اروپا، رو به وخامت گذارده و باعث شده است که این تأثیرات منفی بر تجارت کالاها و قیمت کالا، گردشگری و سایر صادرات کلیدی تشدید گردد. در اواخر سال ۲۰۱۱ اگرچه چندین کشور منطقه شامل تونس، مراکش و اردن از رشد مثبت اقتصادی برخوردار شدند، اما به دلیل ظهور بحران مالی در کشورهای پر درآمد این روند دچار وقفه گردد.

در کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت خام شرایط اولیه مقابله با دوره کنونی ناآرامی‌ها ضعیف است که از آنها می‌توان به نبود فضای مالی (دولتی) هدفمند، فعالیت اقتصادی راكد، تقلیل اندوخته‌ها و استمرار یافتن تنش‌های اجتماعی در برخی کشورها اشاره کرد.

کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت شرایط بهتری برای تحمل آثار بحران دارند، چرا که قیمت نفت در مواجهه با کاهش تقاضا افت نمی‌کند.

چالش‌های داخلی گسترده و حل آنها مشکل است. ماه‌ها پس از بهار عربی، آشوب سیاسی و مسائل اقتصادی- سیاسی همچنان در تعیین سیاست‌های اقتصادی و چشم‌انداز و دورنمای رشد اقتصادی نقش دارند. با وجود اینکه در مصر، تونس و مراکش انتخابات با آرامش برگزار شد، اما همچنان اختلاف عقیده و مناقشه اندکی در این کشورها وجود دارد.

شکست در دستیابی به ثبات سیاسی و اقتصاد کلان، در برخی کشورها تردیدها را افزایش داده و فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را در پایین‌ترین سطح نگه داشته است که این امر احتمالاً مدتی دیگر به طول خواهد انجامید.



Source: National Agencies Through Thomson-Reuters Data Stream.

نمودار ۱. تولیدات صنعتی مصر، تونس و اردن

فشارهای ناشی از عوامل جمعیتی نیز همچنان پابرجاست و چشم‌انداز مناسبی از اشتغال وجود ندارد که اینها خود موجب ایجاد تردید و آسیب‌پذیری می‌گردند.

خاورمیانه و شمال آفریقا در حال واردشدن به مرحله سوم متوالی بحران پس از رکود بزرگ و بحران قیمت موادغذایی در فاصله سال‌های (۲۰۰۸-۲۰۰۷) هستند که در این بحران افزایش قیمت غلات آسیب جدی به شرایط تجارت در تمام کشورهای منطقه وارد کرده است. امروزه جایگاه ضعیف مالی دولت در بسیاری از کشورهای واردکننده نفت که در دو سال آینده نقش مهمی در توسعه و پیشرفت خواهند داشت تا حدی ریشه در این بحران دارد.

این منطقه با توجه به ارتباطات ضعیف میان آنها بیشتر از طریق کانال تجارت به ویژه نفت و کالاهای تولیدی، تأثیرات رشد کند اقتصادی اروپا و جهان را احساس خواهد کرد تا از طریق کانال‌های مالی.

در مجموع، با توجه به شرایط سخت کنونی ناشی از اختلال‌های اخیر تولید که بسیاری از کشورهای این منطقه با آن مواجه هستند رکود جهانی شدیدتر از آن چیزی که در بازه (۲۰۰۹-۲۰۰۸) احساس شد، وقوع خواهد یافت چرا که در آن زمان رشد اقتصادی منطقه به نسبت خوب بود.

رشد GDP در کشورهای در حال توسعه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۱، ۱/۷ درصد تخمین زده شد که نسبت به رشد ۳/۶ درصد در سال ۲۰۱۰ با کاهش روبرو شد. به نظر می‌رسد با توجه به تحمیل شدن شرایط خارجی به بی‌ثباتی‌های موجود و توسعه نامطلوب در داخل رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۲ ملایم باشد و شرایط به کندی بهبود یابد، به ویژه اینکه هزینه‌های مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری محدود می‌گردد.

انتظار می‌رود رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۳ به ۳/۲ درصد برسد و سرانجام FDI<sup>۱</sup> و سرمایه‌گذاری احیا گردند و جریانات درآمدی سنتی (گردشگری و وجوه ارسالی) به حالت عادی برگردند، همچنین انتظار می‌رود آشوب‌ها در برخی کشورها پایان یابند. پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۲ رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت منطقه (تا حدی به دلیل قیمت‌های پایین نفت) و واردکنندگان نفت این منطقه که بسیاری از آنها مانند مراکش، تونس و مصر که روابط اقتصادی نزدیکی با کشورهای پردرآمد اروپا دارند و سایر کشورها (لبنان و اردن) که روابط نزدیکی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دارند به آرامی صورت گیرد.

جدول ۱. خلاصه پیش‌بینی‌های اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا

ردیف	سال	عنوان						
		۱۹۹۸ ۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	برآورد ۲۰۱۰	پیش‌بینی ۲۰۱۱	پیش‌بینی ۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱	GDP به قیمت‌های بازار (۲۰۰۵، دلار آمریکا)	۴/۲	۴/۱	۴/۰	۳/۶	۱/۷	۲/۳	۳/۲
۲	GDP سرانه (واحدها به دلار آمریکا)	۲/۷	۲/۴	۲/۳	۱/۹	۰/۱	۰/۷	۱/۶
۳	GDP <sup>۲</sup> برحسب قدرت برابری خرید	۴/۳	۴/۱	۴/۰	۳/۷	۱/۶	۲/۲	۳/۲
	مصرف خصوصی	۴/۴	۵/۲	۵/۰	۳/۸	۱/۷	۲/۸	۳/۶
	مصرف دولتی	۳/۲	۸/۶	۷/۰	۴/۰	۹/۷	۷/۸	۶/۲
	سرمایه‌گذاری‌های ثابت	۶/۰	۷/۶	۲/۹	۱/۸	-۰/۴	۳/۰	۵/۰
	صادرات کالاهای مصرفی	۵/۲	۴/۶	-۶/۳	۳/۰	-۱/۴	۱/۳	۳/۰
	واردات کالاهای مصرفی	۷/۱	۱۱/۴	-۱/۸	۲/۷	۱/۱	۴/۲	۵/۸
۴	خالص صادرات	-۰/۲	-۲/۲	-۱/۷	۰/۱	-۰/۹	-۱/۰	-۱/۰
۶۵	تراز حساب جاری به GDP (درصد)	۷/۵	۷/۴	-۰/۷	۲/۸	۳/۷	۲/۴	۱/۱
۷۶	شاخص ضمنی GDP (میان، LCU)- (براساس پول ملی)	۴/۷	۱۴/۶	۲/۰	۹/۶	۷/۵	۸/۵	۶/۰
۷	نسبت تراز مالی به GDP (درصد)	-۱/۰	-۰/۳	-۳/۴	-۲/۹	-۲/۶	-۲/۳	-۲/۱
<b>GDP</b>								
۸	منطقه جغرافیایی خاورمیانه و شمال آفریقا	۳/۸	۴/۷	۱/۹	۳/۳	۲/۴	۳/۲	۳/۸
	کشورهای دارای منابع ضعیف و نیروی کار فراوان	۴/۱	۶/۶	۵/۹	۴/۵	۱/۸	۳/۴	۴/۶
	کشورهای دارای منابع غنی و نیروی کار فراوان	۴/۲	۲/۶	۲/۳	۲/۱	۰/۱	۲/۲	۳/۰
	برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس	۳/۴	۵/۳	-۰/۵	۳/۳	۴/۶	۳/۷	۴/۵
۹	مصر	۴/۳	۷/۵	۴/۹	۵/۱	۱/۸	۳/۸	۰/۷
۱۰	ایران	۴/۹	۲/۳	۳/۵	۳/۲	۲/۵	۲/۷	۳/۱
۱۱	الجزایر	۳/۵	۲/۴	۲/۴	۱/۸	۳/۰	۲/۷	۲/۹

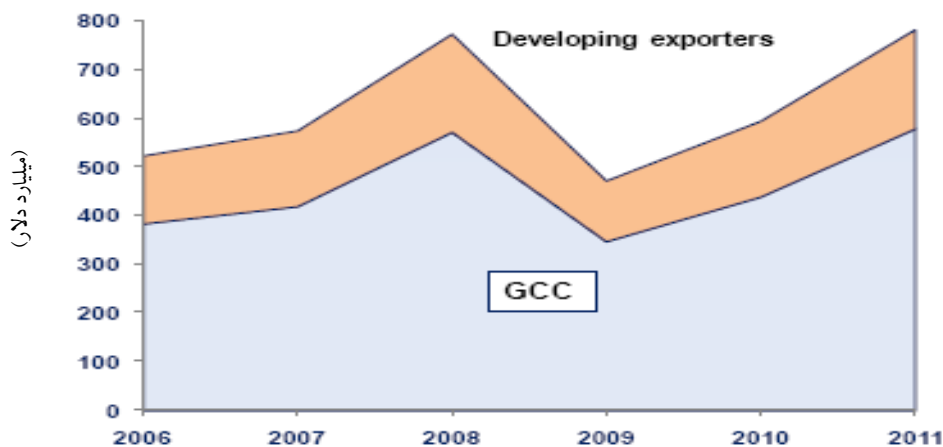
مأخذ: بانک جهانی.

## ۲. پیشرفت‌های اخیر

یکی از منابع قدرت در اقتصاد گسترده خاورمیانه و شمال آفریقا، منابع عظیم نفت و گاز طبیعی تولید شده توسط صادرکنندگان این منطقه است. این امر باعث شده است این کشورها سرمایه لازم برای یارانه‌های حمایتی و برنامه‌های اشتغالزای و همچنین پروژه‌های زیربنایی که برای رفع میزان قابل توجهی از معضلات اجتماعی این کشورها بکار گرفته می‌شوند را در اختیار داشته باشند.

کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت و کشورهای درآمد شوری همکاری خلیج فارس اساساً از افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۱۰ و نیمه اول سال ۲۰۱۱ سود بردند و برخی از آنها نظیر عربستان و کویت تولید خود را افزایش دادند تا کمبود نفت خام لیبی در بازار را جبران کنند.

در مجموع درآمد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از منابع هیدروکربنی در سال ۲۰۱۱ به ۷۸۵ میلیارد ریال دلار رسید که کشورهای در حال توسعه نفتی (الجزایر، ایران، سوریه و یمن) ۵۰ میلیارد دلار از ۲۰۰ میلیون دلار افزایش در این سال را به خود اختصاص دادند. با آنکه موقعیت مالی دولت در این کشورها پایدار باقی می‌ماند (۰/۶ درصد GDP برای کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت و ۱۲ درصد برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) قیمت‌های نفت باید به شدت کاهش یابد و این دولت‌ها مجبور هستند هزینه‌ها را به شیوه دوره‌ای کاهش دهند.



Source: U.N.COMTRADE, IEA, OPEC.

نمودار ۲. درآمدهای نفتی منطقه در سال ۲۰۱۱

در فصل اول سال ۲۰۱۱ برخی از کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت خام- مصر، تونس، اردن و مراکش- شاهد کاهش تولیدات صنعتی یا GDP بودند که این امر پس از یک دوره بهبود اوضاع اقتصادی به ذهنیت و گرایش خانوارها و تجار آسیب وارد کرد. در فصل اول سال ۲۰۱۱ GDP بیش از ۶ درصد دچار انقباض شد که این امر تا حد زیادی ناشی از اختلال‌ها و آشوب‌های هفته‌های اولیه اعتراض بود. با آغاز تثبیت شرایط داخلی در مصر GDP دوباره به حالت قبل بازگشت و کاهش رشد اقتصادی این کشور در سه فصل اول سال ۲۰۱۱ متعادل‌تر شد و به ۱/۲ درصد رسید. تونس هم شرایطی مشابه مصر را تجربه کرد.

کشورهایی که شاهد تحركات اعتراضی شدید نبودند کاهش GDP کمتری را تجربه کردند. به عنوان مثال در اردن GDP ۱/۳ درصد در فصل اول و ۰/۷ درصد در فصل دوم کاهش پیدا کرد. GDP مراکش در طول فصل دوم ۴/۲ درصد افزایش یافت. در لبنان GDP فصلی منتشر نشد اما شاخص‌های همزمان در فاصله و اواخر سال ۲۰۱۰ تا ماه آگوست سال ۲۰۱۱، ۱۲ درصد کاهش یافت.

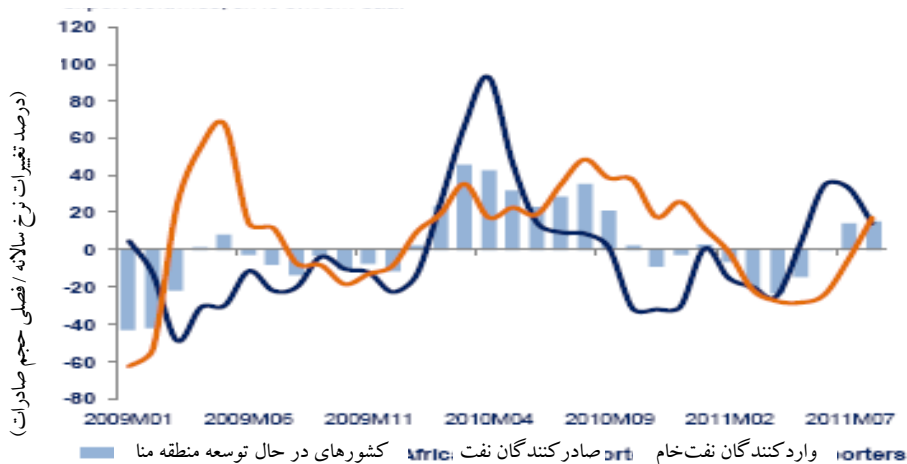
داده‌های تولیدات صنعتی نشان می‌دهد که مصر و تونس ضربه شدیدی از ناآرامی‌های داخلی، آشوب‌های سیاسی و تلاطم بازار مالی اروپا خوردند. در اردن پس از یک رونق ناگهانی و زودگذر اولیه پس از بحران، سود سالانه تولید در سه ماهه منتهی به ماه ژوئن از ۴۴ درصد به ۵ درصد در فصل سوم کاهش یافت.

در مصر میزان تولید در طول فصل دوم با ۱۸۰ درصد رشد مواجه شد درحالی‌که در فصل بعد به ۴۰ درصد کاهش یافت. در تونس پیشرفت‌های مشابهی صورت گرفت اگرچه بی‌ثباتی کمتر شده بود و تولید در فصل سوم نسبت به فصل دوم ۶ درصد رشد نشان می‌داد.

نرخ بیکاری مصر از ۸/۹ درصد در ماه دسامبر سال ۲۰۱۰ به ۱۱/۸ درصد در ماه ژوئن سال ۲۰۱۱ افزایش پیدا کرد. آشوب‌های اقتصادی باعث ایجاد بی‌اعتمادی در منطقه و خارج از آن شد، خصوصاً موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در میان سرمایه‌گذاران خارجی گردید. در واقع در حال حاضر بدهی‌های حکومتی این ناحیه از بدهی سایر کشورهای در حال توسعه منطقه بیشتر است. رشد حجمی صادرات کالا در تمام سال، به ویژه برای کشورهای واردکننده نفت ضعیف بود که این امر بیانگر تأثیر اختلال‌های گسترده مربوط به بهار عربی، تأثیر تقریباً غیرمستقیم زلزله "توهوکو" ژاپن و ناآرامی‌های اقتصادی اخیر اروپا و کاهش تقاضای واردات ناشی از آن است. با این وجود عملکرد اخیر صادرات در سایه افزایش صادرات نفت بهبود نشان می‌دهد و ۱۴ درصد در ماه آگوست رشد کرده، همچنین صادرات کالا در کشورهای واردکننده نفت خام نیز بدون تغییر نمانده و به سالانه ۱۷ درصد رسیده است. براین اساس صادرات فسفات برای اردن و مراکش درآمد خوبی به همراه داشته است.



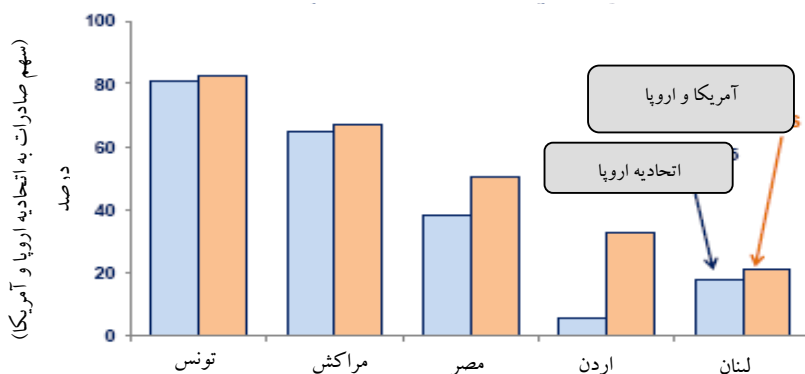
کشورهای واردکننده نفت خام در برابر تغییرات تقاضای واردات در اروپا آسیب‌پذیر هستند. تونس ۸۰ درصد کالاهای تولیدی خود را به ۲۵ عضو اتحادیه اروپا صادر می‌کند که این رقم برای مراکش بیش از ۶۵ درصد و برای مصر تقریباً ۴۰ درصد است. برخلاف آنها اردن سهم قابل توجهی از تجارت خود را به آمریکا اختصاص داده است (براساس توافقنامه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ به امضا رسید).



Source: National Agencies Through Thomson-Reuters Data Stream.

### نمودار ۳. صادرات کشورهای واردکننده نفت خاورمیانه و شمال آفریقا

داده‌های میانگین حجم صادرات نشان‌دهنده شرایط متفاوت این کشورها است، در مراکش و اردن عملکرد بهتر آنها در تجارت بر پایه دلار به دلیل تجارت فسفات و کودهای شیمیایی است که با تقاضای شدید جهانی مواجه است در حالی که مصر و تونس بیشتر در معرض بی‌ثباتی و کاهش تقاضا از اروپا و آمریکا قرار داشته‌اند.



Source: U.N.COMTRADE.

#### نمودار ۴. صادرات کالاهای تولیدی کشورهای واردکننده نفت به اتحادیه اروپا و مجموع صادرات آنها به اروپا و آمریکا

رشد اقتصادی کشورهایی که درگیری‌های داخلی داشتند در سال ۲۰۱۱ وخیم‌تر شد، زیرا به ویژه در لیبی درگیری‌های مسلحانه مانع از دسترسی به بازار صادرات گردید به علاوه خشونت ایجاد شده تجارت روزانه را مختل نمود.

علاوه بر ضررهای جانی و مالی به وجود آمده از درگیری، دغدغه‌های ناشی از آشوب‌های منطقه، موجب وخیم شدن شرایط تجاری گردید. تحلیلگران بخش خصوصی در لیبی چنین استدلال می‌کنند که ممکن است در طول این درگیری‌ها GDP ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش یابد و تولیدات غیرنفتی نیز با افتی ۲۰ درصدی مواجه گردد. بازسازی کشور، رفع توقیف اموال رژیم سابق و از سرگیری تولید نفت اولویت‌های دولت انتقالی خواهد بود که احتمالاً شکل‌گیری سیاست اقتصادی در آینده نزدیک را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. حل و فصل این درگیری‌ها و بهبود شرایط کلی امنیتی می‌تواند باعث جهش یافتن فعالیت‌های اقتصادی این کشور گردد.

به خصوص بازگشت احتمالی کارگران مهاجر می‌تواند با بازگشت تولید و تقاضا به شرایط قبل کمک کند و در عین حال ارسال پول به کشورهای اولیه را مجدداً برقرار سازد.

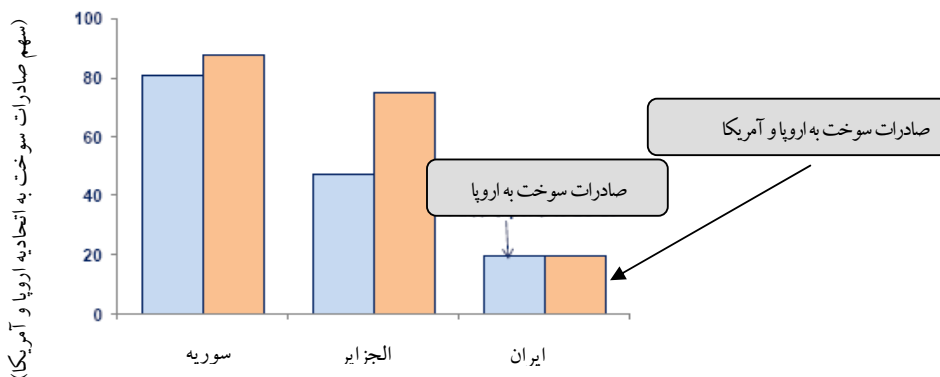
به نظر می‌رسد رشد اقتصادی یمن در سال ۲۰۱۱ علیرغم افزایش اخیر تولیدات هیدروکربونی منفی باشد. آینده اقتصادی کشورهای درگیر و با ناآرامی‌های داخلی به سرعت عمل اجرای اصلاحات و حل و فصل درگیری‌ها، اعتراض‌ها و اختلال‌های به وجود آمده بر زندگی مردم بستگی دارد. کاملاً واضح است که این یک امر چالش برانگیز و دست و پاگیر در این منطقه است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در اواخر سال ۲۰۱۰ و سال ۲۰۱۱ از افزایش شدید قیمت نفت خام سود بردند. در ماه آوریل

در پی کاهش صادرات ۱/۴ میلیون بشکه‌ای لیبی و آشفته‌گی شدید بازار به ویژه بازار اروپا که بیشتر نفت لیبی به آنجا صادر می‌شد قیمت نفت خام به ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسید.

در پی این کاهش، قیمت‌ها به دلیل رشد کند اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۱ (مصرف جهانی نفت خام فقط ۱ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا کرد) کاهش یافت که این امر بیانگر کاهش ذخایر استراتژیک سازمان بین‌المللی همکاری انرژی و افزایش تولید خارج از اوپک می‌باشد. GDP الجزایر در سال ۲۰۱۱ به دلیل قیمت بالای نفت و پیشرفت‌های خوب در بخش غیرنفتی ۳ درصد افزایش پیدا کند. درآمدهای حاصل از نفت و گاز ۲۵ درصد افزایش یافت و به ۴۴ میلیارد دلار (یا ۲۶ درصد GDP) رسید که بخشی از آن را دولت برای افزایش دستمزدهای بخش دولتی، حمایت از اشتغالزایی و بخش مسکن و کاهش فشار ناشی از افزایش قیمت سوخت و مواد غذایی بر استانداردهای زندگی هزینه نمود. افزایش هزینه‌ها ۰/۶ درصد از GDP سال ۲۰۱۱ را تشکیل می‌دهند و در این سال کمبود بودجه دولتی ۱/۱ درصد GDP بوده و احتمالاً با همین روند ادامه خواهد یافت، مگر آنکه قیمت نفت در سطوح بالای کنونی باقی بماند.

در ایران علیرغم تحریم‌های بین‌المللی به دلیل افزایش قیمت نفت و تولید مناسب محصولات کشاورزی رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۱ به ۲/۵ درصد رسید.

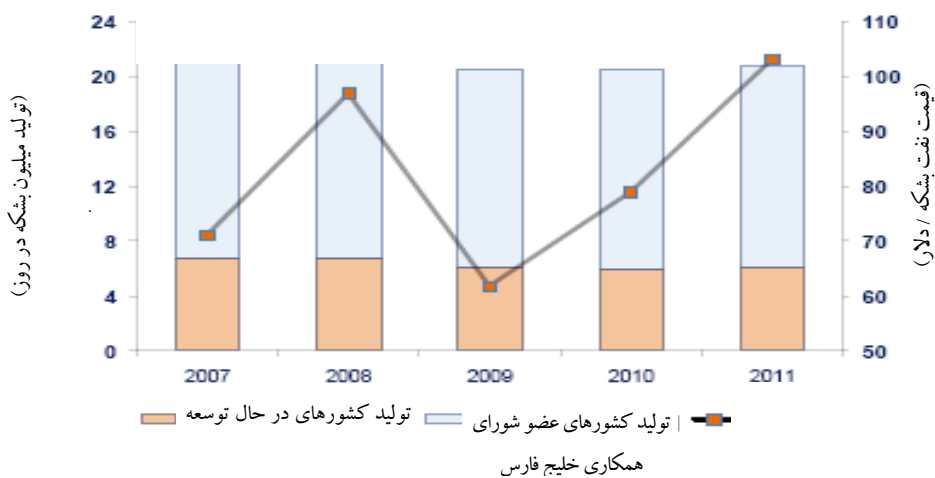
کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (بجز ایران) نیز مانند کشورهای واردکننده نفت روابط صادراتی محکمی با اتحادیه اروپا دارند که از آنها می‌توان به سوریه که ۸۰ درصد صادرات سوخت آن به اتحادیه اروپا انجام می‌شود و الجزایر که جابه‌جایی‌های گاز طبیعی و نفت خام از طریق خطوط لوله و کشتی‌های آن ۴۸ درصد حمل و نقل هیدروکربن‌های منطقه را در بر می‌گیرد و آمریکا ۳۰ درصد دیگر تولید کشور را جذب می‌کند، نام برد.



Source: U.N.COMTRADE

نمودار ۵. وابستگی برخی کشورهای صادرکننده نفت به اروپا و آمریکا

منشأ افزایش درآمدهای کشورهای صادرکننده نفت در منطقه جغرافیایی وسیع خاورمیانه و شمال آفریقا (شامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در نمودار قابل ملاحظه است. در سال ۲۰۱۰ تولید نفت بطور متعادلی افزایش یافت و قیمت جهانی آن ۱۸ دلار در هر بشکه افزایش پیدا کرد. در سال ۲۰۱۱ تولید نفت منطقه در حدود ۲۸ هزار بشکه در روز و قیمت هر بشکه نفت خام هم ۲۴ دلار در هر بشکه افزایش یافت.

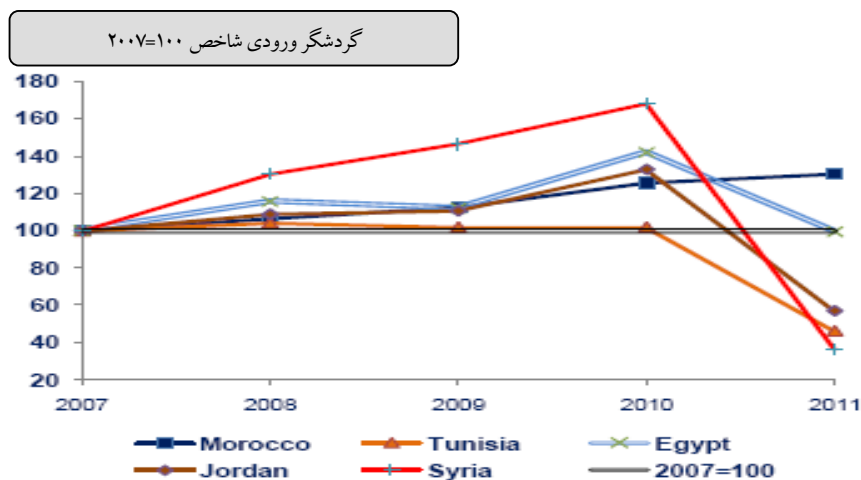


Source: International Energy Agency, World Bank.

نمودار ۶. درآمد کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه و شمال آفریقا و قیمت‌های بالای نفت

گردشگری، پول‌های فرستاده شده توسط مهاجران به کشور خود و جریانات سرمایه‌ای، منابع مهم درآمد و ارز خارجی این منطقه به ویژه کشورهای واردکننده نفت هستند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰ (قبل از بهار عربی) در مصر درآمدهای صنعت گردشگری در حدود ۱۲/۲ میلیارد دلار بود که ۵/۶ درصد از GDP را تشکیل می‌داد و در تونس و اردن هم این رقم به ترتیب در حدود ۲/۶ میلیارد دلار (۵/۷ درصد از GDP) و ۴ میلیارد دلار و (۱۴/۸ درصد از GDP) بود.

کاهش گردشگران ورودی به منطقه براساس برآوردهای سازمان گردشگری جهانی سازمان ملل (UNWTO)<sup>۱</sup> بی‌سابقه بوده است. سوریه بیشترین ضربه را خورده است و تعداد بازدیدکنندگان از این کشور در سال ۲۰۱۱، ۸۰ درصد کاهش یافته است. پس از سوریه، اردن با ۵۷ درصد تونس با ۵۵ درصد و مصر با ۳۰ درصد کاهش گردشگر مواجه شدند. این سازمان تخمین می‌زند گردشگران ورودی مراکش به دلیل بی‌ثباتی برخی همسایگانش افزایش یابد. از طرف دیگر یک دلیل ضمنی تضعیف صنعت گردشگری در این منطقه تردید شدید در مورد شرایط داخلی این منطقه است.

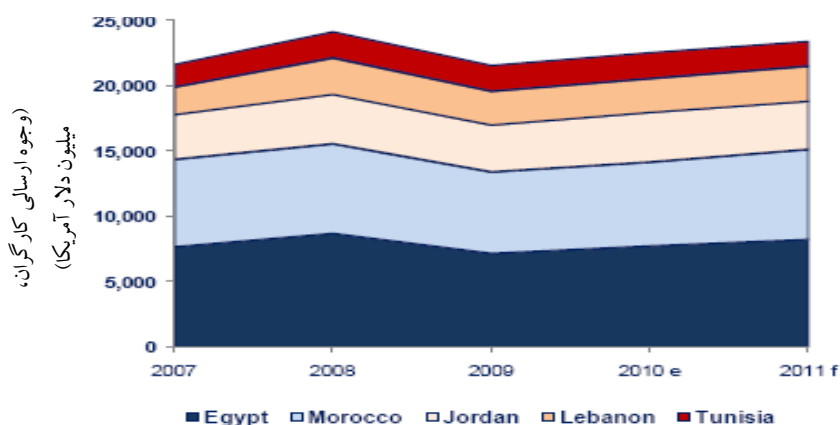


Source: U.N. World Tourism Organization, World Bank Estimates.

نمودار ۷. ریزش گردشگر - دلیل اصلی رشد کم اقتصادی

1. United Nations World Tourism Organization

در مقابل، ارسال پول توسط کارگران مهاجر در سال ۲۰۱۱، ۲/۶ درصد افزایش یافت. با اینکه انتظار می‌رفت شرایط ضعیف بازار نیروی کار در اروپا باعث کاهش انتقال درآمد کارگران مهاجر به کشورهای خود (به ویژه مراکش) گردد، اما داده‌ها بیانگر آن هستند که ارزش دلاری این جریانات پولی برای مراکش ۵۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است و این عدد برای مصر نیز در همین حدود بوده و در لبنان نیز این افزایش حدود ۱۰۰ میلیون دلار بوده است. اردن و تونس در این حوزه با کاهشی اندک روبرو شدند.



مأخذ: بانک جهانی.

نمودار ۸. وجوه ارسالی توسط کارگران این کشورها که در خارج از کشور کار می‌کنند

افزایش این جریانات پولی بیانگر تلاش آگاهانه این کارگران دور از وطن است تا در این شرایط سخت سیاسی از کشورهای خود حمایت کنند. در همین زمان درآمدهای نفتی GDP کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ را افزایش داد و به فعالیتهای اقتصادی، اشتغال و جریان خروجی مبالغ ارسالی توسط کارگران خارجی مشغول به کار در این کشورها کمک نمود.

### ۳. FDI و جریان کمک‌ها: کشورهای در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)<sup>۱</sup> و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC)<sup>۲</sup>

کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سال جاری (۲۰۱۲) در ادامه روند میان‌مدت شروع شده از سال ۲۰۰۹ تداوم یافت بطوری که جریانات سرمایه‌ای به کشورهای MENA در ۲۰۱۱ پس از مجموع کاهش ۲۵ درصدی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، ۴۵ درصد کاهش یافت. (مصر ۶۵ درصد در سال ۲۰۱۱ و اردن ۳۰ درصد). امارات، قطر و کویت به عنوان اعضای GCC در سال ۲۰۱۱ از نظر سرمایه‌گذاری در سایر کشورها با ۱۸ درصد کاهش مواجه شدند. این کشورها در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ مجموعاً با ۷۰ درصد کاهش سرمایه‌گذاری در سایر کشورها روبرو شده بودند. بخشی از این کاهش به بازسازی ترازنامه‌ها پس از بحران مالی دبی مربوط می‌شد. جریانات ورودی و خروجی سرمایه‌روندی نزولی در پیش گرفته‌اند. روند رو به رشدی از این جریانات از کشورهای GCC به کشورهای در حال توسعه MENA هدایت شده است. برخی اوقات این پیشرفت‌ها موفقیت‌آمیز هستند چرا که کشورهای GCC از درآمدهای عظیم نفتی بهره‌مند شده و رشد اقتصاد غیرنفتی آنها از طریق سرمایه‌گذاری‌های دولتی تقویت می‌گردد. بهبود شرایط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیازمند اعتمادسازی مجدد در کشورهای مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، چرا که ممکن است شروع مجدد سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه در آینده نزدیک با مشکل مواجه باشد.

نقطه مقابل این روند فعالیت‌های اخیر کشورهای GCC در مراکش است. علیرغم محیط‌های نامطمئن داخلی و خارجی کشورهای منطقه مراکش پیشنهادهای سرمایه‌گذاری از چندین کشور عضو GCC (کویت و قطر) مربوط به پروژه‌های توسعه به ویژه تسهیلات جدید گردشگری (امارات متحده عربی و سایرین ۲/۵ میلیارد دلار) دریافت کرده است. پس از چندین سال کاهش جریانات حمایتی در اوایل دهه ۲۰۰۰، سال ۲۰۱۱ شاهد افزایش شدید و ناگهانی جریانات اهدایی کشورهای عربی بود. عربستان سعودی و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس به منظور اطمینان حاصل کردن از تحول و توانایی کشورهای منطقه در واکنش نسبت به تقاضا برای تغییرات کمک‌های خود به کشورهای در حال توسعه MENA را افزایش دادند. بطور کلی برآورد می‌شود کمک‌های عربستان سعودی و سایر اعضای GCC به کشورهای در حال توسعه MENA در فاصله سال‌های (۲۰۱۵-۲۰۱۲) به ۱۵ میلیارد دلار برسد که بخش اعظم این مبلغ را عربستان تقبل خواهد کرد. این کمک‌ها می‌بایست به مصر، اردن و تا حدودی به مراکش این توانایی را بدهد که ترازنامه‌های خود

1. Middle East and North Africa  
2. Gulf Cooperation Council

را ساماندهی کرده و یارانه‌های خود را افزایش دهند تا قیمت مواد غذایی و سایر فشارها بر مردم را کاهش دهند. بیشترین نفع از این برنامه نصیب اردن می‌شود و تا کنون ۴۰۰ میلیون دلار از عربستان دریافت کرده است.

GCC همچنین یک برنامه توسعه جدید برای حمایت از عمان و بحرین دو کشور عضو که شاهد اعتراض‌ها و درخواست مردم برای تغییرات هستند تدوین کرده است. در این برنامه ۱۰ میلیارد دلار در طول ۱۰ سال در این کشورها سرمایه‌گذاری می‌گردد که تمرکز آن بر روی مسکن و زیرساخت‌ها است و در عمل همسو با EUCF<sup>۱</sup> است.

جدول ۲. جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خاورمیانه و شمال آفریقا در فاصله سال‌های (۲۰۱۱-۲۰۰۷)

۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	
جرایانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیارد دلار)					
۲/۲۲	۶/۳۸	۶/۷۱	۹/۵۰	۱۱/۵۷	مصر
۳/۶۹	۴/۹۸	۴/۸۰	۴/۳۳	۳/۳۷	لبنان
۱/۱۲	۱/۵۱	۱/۶۹	۲/۷۸	۱/۶۲	تونس
۱/۰۹	۱/۳۰	۱/۹۵	۲/۴۸	۲/۸۰	مراکش
۱/۱۶	۱/۷۰	۲/۴۳	۲/۸۳	۲/۶۲	اردن
۹/۵۶	۱۵/۸۶	۱۷/۵۹	۲۱/۹۰	۲۲	مجموع
-۳۹/۷	-۹/۸	-۱۹/۷	-۰/۴	-۲/۱	درصد تغییرات
جرایانات خروجی سرمایه‌گذاری خارجی (میلیارد دلار)					
۴/۱۰	۳/۹۱	۲/۱۸	۳/۴۹	-۰/۱	عربستان سعودی
۱/۰۰	۲/۰۷	۸/۶۴	۹/۰۹	۹/۷۸	کویت
۱/۸۱	۲/۰۱	۲/۷۲	۱۵/۸۲	۱۴/۵۸	امارات
۱/۴۹	۱/۸۶	۱۱/۵۸	۶/۰۳	۵/۱۶	قطر
-۰/۱	-۰/۳۳	-۱/۷۹	۱/۶۲	۱/۶۹	بحرین
۸/۶۴	۱۰/۵۱	۲۳/۴۰	۳۶/۵۴	۳۱/۱۲	مجموع
-۱۷/۸	-۵۵/۱	-۳۶/۰	۱۷/۴	۵۲/۳	درصد تغییرات

Source: UNCTAD, International Investment Data Base.

در طول دوره یکساله، جریانات سرمایه‌ای خارجی به کشورهای در حال توسعه منطقه به شدت کاهش یافت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (عمدتاً از کشورهای GCC) نزدیک به ۴۰ درصد کاهش پیدا کرد و این در حالی است که تخمین زده می‌شود در فصل سوم و چهارم جریانات اوراق قرضه و سهام افت کرده و به نصف مقدار سال ۲۰۱۰ برسد. با این حال کمک‌های رسمی GCC و

1. EU Cohesion Funds



دورنمای اقتصاد جهان، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ۱۲۷

سایرین، بخش مناسبی از نقدینگی از دست رفته (که در برخی موارد به بیش از ۱۰۰ درصد می‌رسد) برخی از کشورهای منطقه را جبران کرده و به آنها کمک می‌کند دوره گذار را طی کرده و کسری بودجه دولتی خود را جبران کنند.

جریان‌ات سرمایه‌ای بجز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بطور مرسوم در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا اندک بوده‌اند، اگرچه جریان‌ات ورودی سهام در مصر، لبنان و مراکش و انتشار اوراق قرضه توسط تونس و لبنان قبل از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۹ حرکت خوبی در جهت جذب جریان‌ات سرمایه‌ای بوده است.

همواره با کاهش چشمگیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ سرمایه‌گذاری در سبد سهام هم کاهش یافت و در سال ۲۰۱۰ به صفر و در سال ۲۰۱۱ به ۵۰۰ میلیون دلار رسید. با این وجود جریان دیون غیردولتی به دلیل افزایش وام‌گیری بانک‌ها از ۲/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ رسید.

جدول ۳. جریانات سرمایه‌ای خالص به خاور میانه و شمال آفریقا

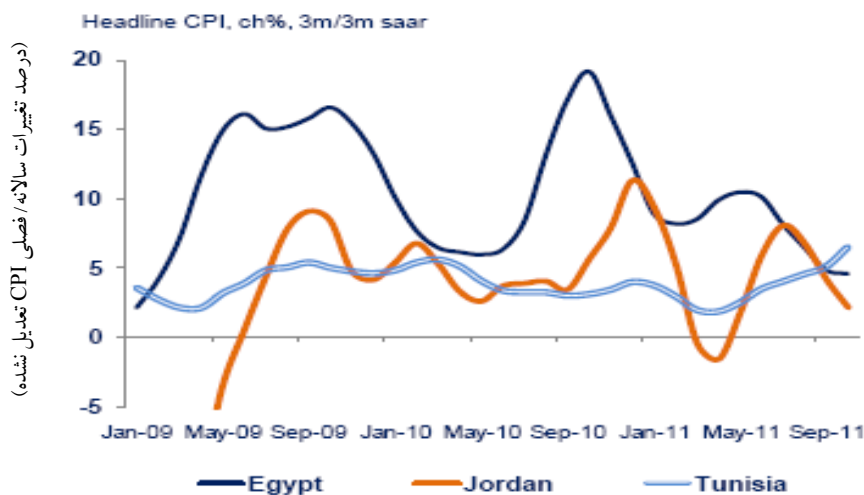
(میلیارد دلار)

۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	
۱۳۶	۲۷/۸	۳۹/۸	-۹/۶	-۲۰/۸	۱۹/۲	۲۴/۳	۳۰/۶	۱۹/۹	۰/۱	تراز حساب جاری
۱/۰	۲/۲	۳/۴	-۰/۹	-۲/۳	۲/۱	۳/۲	۴/۸	۳/۶	۰/۰	به عنوان درصدی از GDP
										جرایات مالی
		۲۴/۶	۲۵/۴	۲۸/۳	۱۹/۷	۲۸/۵	۱۴/۵	۱۹/۴	۱۲/۹	جرایات ورودی خالص خصوصی و رسمی
۲۲/۲	۱۵/۱	۲۳/۳	۲۴/۲	۲۵/۹	۲۱/۵	۲۷/۴	۲۵/۷	۲۲/۵	۱۶/۴	جرایات ورودی خالص خصوصی (سهام متعارف و بدهی خصوصی)
۱/۶	۱/۲	۲/۰	۲/۴	۲/۸	۲/۳	۳/۶	۴/۰	۴/۱	۳/۴	جرایات ورودی خالص خصوصی (درصدی از GDP)
۱۹/۹	۱۳/۹	۱۹/۰	۲۲/۷	۲۷/۳	۲۹/۶	۲۵/۵	۲۸/۲	۱۹/۲	۱۰/۴	جرایات ورودی خالص خصوصی (سهام متعارف و بدهی خصوصی)
۱۹/۹	۱۳/۹	۱۹/۰	۲۲/۷	۲۶/۱	۲۹/۲	۲۷/۶	۲۷/۲	۱۶/۸	۹/۷	جرایات ورودی خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۱/۰	۰/۶	۰/۵	۰/۰	۱/۲	۰/۴	-۲/۱	۱/۰	۲/۴	۰/۷	جرایات ورودی خالص پورتفوی سهام متعارف
			۷۰/۵	۵۱/۵	۵۹/۰	۷۹/۲	-۱۶/۸	۰/۸	-۸/۱	جرایات خالص بدهی
		۱/۳	۱/۲	۲/۴	-۱/۸	۱/۱	-۱۱/۳	-۳/۲	-۲/۴	اعتباردهندگان رسمی
		۰/۵	۰/۸	۰/۹	-۰/۳	۱/۰	-۰/۸	۰/۰	-۰/۶	بانک جهانی
		۰/۰	۰/۰	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۲	-۰/۷	-۰/۵	IMF
		۰/۸	۰/۴	۱/۶	-۱/۴	۰/۲	-۱۰/۳	-۲/۴	-۲/۳	سایر اعتباردهندگان رسمی
۲/۳	۱/۲	۴/۳	۱/۵	-۱/۴	-۸/۲	۱/۹	-۲/۵	۳/۴	۶/۰	اعتباردهندگان خصوصی
		۲/۳	۰/۴	-۳/۰	-۴/۰	-۱/۶	-۱/۷	۳/۱	۲/۷	جرایات بدهی خالص میان‌مدت و بلندمدت
		۱/۸	۳/۲	۰/۱	-۰/۸	۰/۷	۰/۸	۲/۵	۲/۸	اوراق قرضه
		۰/۵	-۱/۹	-۲/۱	-۱/۸	-۱/۳	-۱/۳	۱/۳	۰/۰	بانک‌ها
		۰/۰	-۲/۸	-۰/۹	-۱/۳	-۱/۱	-۱/۲	-۰/۸	۰/۰	سایر بخش‌های خصوصی
		۲/۰	۱/۱	۱/۶	-۴/۲	۳/۵	-۰/۸	۰/۳	۳/۲	جرایات بدهی خالص کوتاه‌مدت
		-۶۵/۸	۸۳	۱۶/۷	۴/۵	-۴/۸	-۷/۲	-۰/۳	۱/۷	موارد ترازنامه
		۱/۴	-۲۴/۱	-۲۴/۲	-۳۲/۴	-۴۸/۰	-۳۷/۸	-۳۸/۹	-۱۴/۷	تغییرات ذخایر
										مولد توافقی
۳۹/۴	۳۷/۴	۳۵/۶	۳۴/۷	۳۳/۶	۳۶/۰	۳۲/۱	۲۶/۵	۲۵	۳۳/۲	وجوه ارسالی کارگران مهاجر

مأخذ: بانک جهانی.

لازم به ذکر است انتشار اوراق قرضه در تونس، لبنان و مصر نیز گسترش یافته است. انتظار می‌رود در برخی کشورها ترازنامه‌های بخش بانکی کیفیت خود را از دست بدهند. احتمالاً اقتصادهای در حال گذار نیازمند تأمین سرمایه خارجی عظیمی در سال ۲۰۱۲ خواهند بود که برآورد IMF از این تأمین سرمایه ۵۰ میلیارد دلار است.

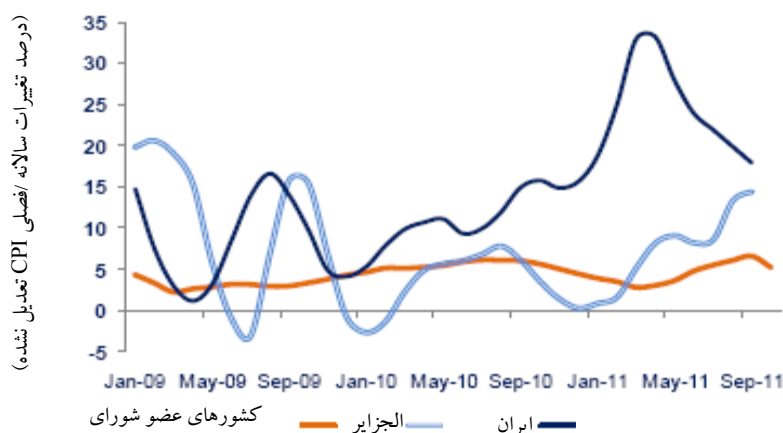
در سال ۲۰۱۱ ثبات و در پی آن یک کاهش نسبی در قیمت مواد غذایی به کاهش فشارهای تورمی در این منطقه کمک کرد. قیمت‌های مواد غذایی در این منطقه در فصل اول با رشد سالانه‌ای معادل ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده بود که دلایل آن افزایش قیمت‌های بین‌المللی بود، به هر حال با تثبیت و حتی کاهش قیمت‌های جهانی تورم مواد غذایی در ماه جولای (آخرین ماهی که اطلاعات آن در دسترس است) به سالانه ۸ درصد کاهش یافت. تورم برای کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت یک دغدغه خاص است و در الجزایر از ۱۰ درصد هم (نرخ‌های سالانه بصورت فصلی تنظیم شده) فراتر می‌رود. در کشورهای واردکننده نفت خام، ترکیبی از رشد بسیار ضعیف یارانه‌های مواد غذایی و سوخت از شدت فشارهای تورمی کاسته است اگرچه هزینه‌های سنگینی بر بودجه این کشورها تحمیل می‌گردد.



نمودار ۹. یارانه‌های پرداختی برای کاهش تورم در کشورهای واردکننده نفت

در مصر در اکتبر سال ۲۰۱۱ تورم به ۴/۶ درصد رسید در حالی که در اکتبر سال ۲۰۱۰ نرخ تورم در بالاترین میزان خود یعنی ۲۰ درصد بود. در اردن هم تورم از ۱۱/۳ درصد در طول فصل آخر سال ۲۰۱۰ به ۲ درصد در ماه اکتبر ۲۰۱۱ کاهش یافت.

در ایران تلاش‌های مهمی در جهت اصلاح نظام حمایت از درآمد غیر یارانه‌ای انجام داده و به سوی چتر حمایت اجتماعی هدفمند حرکت کرده است و توانسته تغییرات قیمتی را به یک دامنه ۲۰-۱۵ درصدی کاهش دهد. البته این اصلاحات باید بیگیرانه انجام شوند تا تورم ایران تک‌رقمی، گردد.

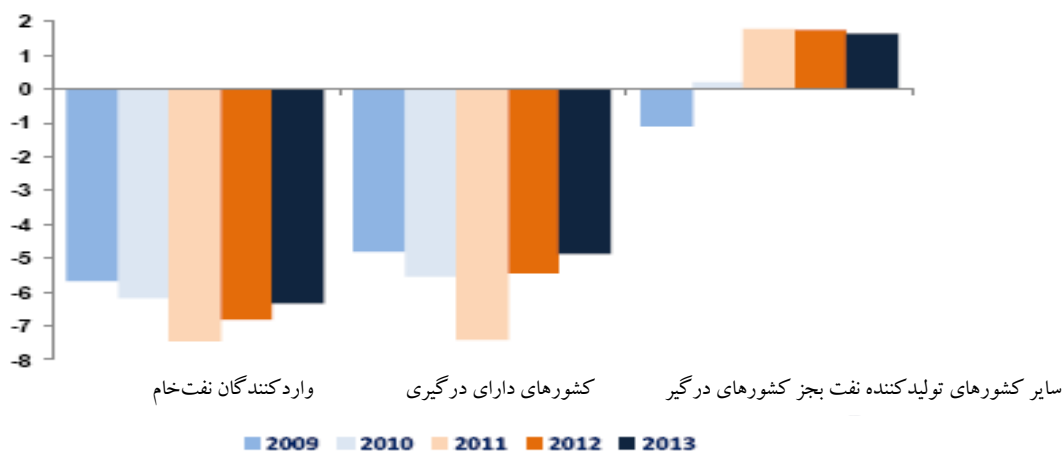


مأخذ: بانک جهانی.

نمودار ۱۰. برنامه‌های اصلاحی ایران فراتر از چشم‌انداز CPI کشورهای صادرکننده نفت منطقه

#### ۴. پیشرفت‌های سیاستی

سیاست پولی در بسیاری از کشورهای این منطقه بسیار توسعه‌طلبانه بوده است به عنوان مثال کمبود مالی دولت‌های کشورهای واردکننده نفت خام در سال ۲۰۱۱ به ۷/۳ درصد GDP رسید، در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۰، ۶/۲ درصد GDP و در سال ۲۰۰۷ قبل از بحران مالی ۴/۴ درصد GDP بود. در چندین کشور شامل مراکش و اردن که بودجه دولت در حال کاهش است توسعه برنامه‌های اجتماعی در پاسخ به تقاضای عمومی با هزینه سرمایه‌گذاری عمومی اتفاق افتاده است. کاهش شدید درآمد کشورهای واردکننده نفت اساساً ماهیتی چرخه‌ای دارد، اما افزایش هزینه‌های اجتماعی یک جزء ثابت و بزرگ هستند.



مأخذ: بانک جهانی.

### نمودار ۱۱. هزینه های مالی دولتی

کمیود مالی در دولت کشورهای دارای درگیری در سال ۲۰۱۱ افزایش یافت به ۶/۵ درصد GDP رسید و نیاز به تأمین تجهیزات و تسلیحات نیروهای نظامی در این درگیری ها این کمیود را تشدید نمود.

جدول ۴. بازده اقتصادی و تحولات سیاستی سال ۲۰۱۱

نسبت تراز حساب جاری به GDP (درصد)		شاخص کل قیمت مصرف‌کننده		نرخ بهره سیاستی		ذخایر ناشی از ماه‌ها واردات		تراز مالی دولت به GDP (درصد)		
۲۰۱۱	۲۰۰۷	۲۰۱۱	۲۰۰۷	۲۰۱۱	۲۰۰۷	۲۰۱۱	۲۰۰۷	۲۰۱۱	۲۰۰۷	
-۵/۲	-۵/۶	۱۲/۵	۲/۵	۷/۵۰	۶/۰۰	۸/۳	۸/۴	-۴/۴	-۷/۳	واردکنندگان نفت خام
۰/۵	۱/۸	۱۸/۳	۴/۸	۱۰/۲۸	۸/۲۵	۱۰/۰	۵/۵	-۷/۸	-۹/۵	مصر
-۳/۸	-۵/۸	۴/۹	۵/۱	۵/۲۵	۳/۵۰	۴/۶	۴/۷	-۰/۷	-۵/۱	تونس
-۹/۳	-۸/۵	۱۳/۹	۴/۱	۶/۷۰	۴/۵۰	۵/۳	۷/۰	-۴/۱	-۵/۷	اردن
-۰/۱	-۶/۷	۳/۸	-۳/۰	۳/۳۲	۳/۲۵	۸/۸	۶/۰	۰/۲	-۵/۵	مراکش
-۹/۱	-۲۰/۶	۳/۴	-۱/۸	۱۲/۰۰	۱۰/۰۰	۱۲/۷	۱۸/۶	-۹/۶	-۵/۵	لبنان
-۲/۰	۱/۵	-	-	-	-	۱۰/۶	۵/۲	-۰/۳	-۶/۵	کشورهای دارای درگیری
۰/۱	-۲/۲	-	-	-	-	۹/۶	۷/۳	۲/۷	-۷/۱	سوریه
-۴/۱	۹/۶	-	-	-	-	۱۱/۵	۳/۱	-۳/۲	-۸/۰	یمن
۱۴/۳	۸/۵	۱۵/۹	۱۵/۸	-	-	۲۳/۱	۲۵/۲	۴/۵	۰/۹	کشورهای صادرکننده نفت در حال توسعه
۲۰/۲	۱۰/۸	۴/۴	۱۴/۵	-	-	۳۵/۰	۳۷/۹	۹/۱	-۱/۱	الجزایر
۸/۵	۸/۹	۲۵/۶	۱۷/۰	-	-	۱۱/۲	۱۲/۵	۰/۰	۲/۸	ایران
۲۶/۲	۲۴/۴	۱۰/۰	۶/۸	۳/۰۰	۱/۳۵	۱۲/۰	۱۰/۰	۱۹/۳	۸/۵	کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس
۲۷/۸	۲۰/۶	۹/۹	۷/۶	۵/۰۷	۲/۰۰	۳۱/۹	۲۷/۳	۳۵/۴	۱۱/۷	عربستان سعودی
۴۰/۵	۳۳/۵	۱۰/۶	۴/۲	۱/۰۰	۷۵/۰	۵/۳	۷/۰	۱۹/۹	۱۷/۲	کویت
۱۰/۲	۵/۹	۳/۵	۶/۰	۲/۱۹	۵۰/۰	۴/۱	۳/۵	۴/۹	-۲/۴	بحرین
۸/۳	۱۱/۰	۱۲/۵	۶/۲	۳/۷۰	۲/۰۰	۶/۴	۵/۷	۱۷/۲	۷/۶	عمان

مأخذ: بانک جهانی.

به وضوح یک چرخش میان مدت سیاست پولی را می توان از طریق کاهش هایی در نرخ های سیاستی<sup>۱</sup> همه گروه ها مشاهده کرد، بطوری که از اعمال سیاست های میان مدت سختگیرانه کاسته شده است. در کشورهای وارد کننده نفت بیشترین کاهش نرخ های بهره رخ داد (۱۵۰ واحد در فاصله سال های (۲۰۱۱-۲۰۰۷) در حالی که میانگین نرخ ها در کشورهای بزرگتر در حدود ۲۰۰ واحد بود. نرخ های بهره کشورهای GCC پایین و از این امر مستثنی بودند، اما با این حال کاهشی ۱۶۵ واحدی را ثبت کردند. تورم پایین فارغ از نحوه اندازه گیری رشد اقتصادی ضعیف تر و نیاز پیش بینی شده برای تسهیل عملیات مالی در کنار شرایط سخت اقتصادی در این دوره منجر به تسریع در کاهش نرخ های بهره سیاستی در این منطقه شده است.

در این مورد هم مصر یک استثناء است که در ۳۰ نوامبر سال ۲۰۱۱ نرخ سیاستی معیار خود را ۱۰۰ واحد بالا برد و به ۹/۲۵ درصد رساند که از سال ۲۰۰۸ به بعد نخستین حرکت انقباضی برای کاهش فشارها بر پوند در بحبوحه شرایط پرتنش سیاسی بود.

کشورهای در حال توسعه در مجموع شاهد افزایش مازاد حساب جاری از ۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۴۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ بودند که دلیل اصلی آن درآمدهای بالاتر صادر کنندگان نفت بود. این امر به ایجاد یک اندوخته ۲/۴ میلیارد دلاری منجر گردید. برعکس، کشورهای وارد کننده نفت شاهد کاهش ۱۷ درصدی (۱۳ میلیارد دلاری) اندوخته های خود و رسیدن آن به ۶۷ میلیارد دلار بودند. در این زمینه مصر یک استثناء قابل توجه است. در این کشور جریانهای خروجی و فشارها بر نرخ ارز مقامات را مجبور کرد ۱۱ میلیارد دلار از مجموع ۱۳ میلیارد دلار اندوخته گروه وارد کننده نفت را برای حمایت از پوند برداشت کنند.

در مجموع با توجه به شرایط سخت موجود در بسیاری از کشورهای منطقه به دلیل شورش های اخیر اکنون رکود جهانی شدیدتر از سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ احساس می گردد، چرا که در آن دوره رشد اقتصادی منطقه به نسبت قوی تر بود.

## ۵. چشم انداز میان مدت

حتی اگر شرایط خارجی تأثیر گذار بر رشد اقتصادی تا این حد تأمل برانگیز نبود، تنش های سیاسی کنونی منطقه، تولید در چند سال آینده را محدود می کرد. اگرچه آثار اقتصادی منفی مرحله حاد گذار ممکن است برای مصر، تونس و لیبی در حال پایان یافتن باشد اما برای سوریه و یمن نگران کننده است. در پیش بینی هایی که در ادامه صورت می گیرد چنین فرض شده است که درگیری های داخل کشور

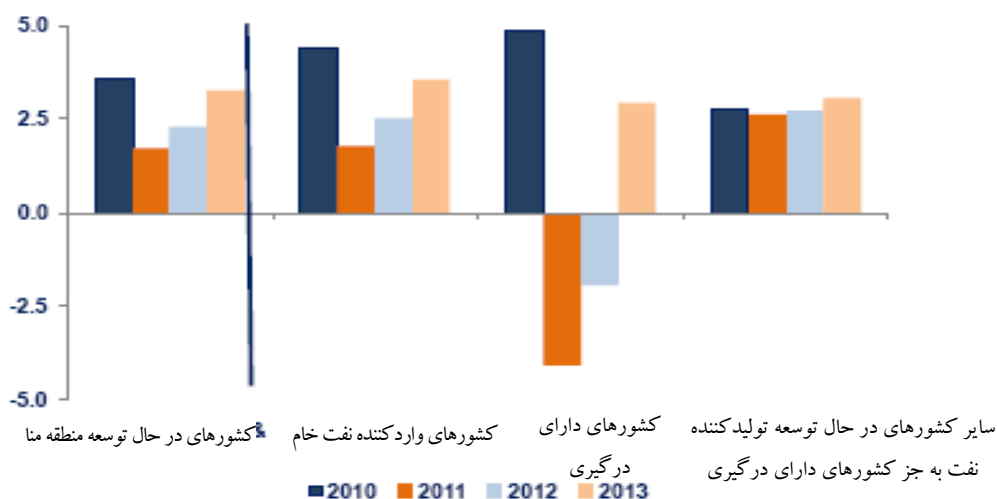
---

1. Policy Rates

در سال ۲۰۱۲ به نحوی به اتمام خواهد رسید و بنابراین تأثیر آشوب‌های این سال بر فعالیت‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۳ ضعیف‌تر می‌گردند.

کاهش بی‌ثباتی اقتصادی می‌تواند با بهبود فضای تجارت، جریان‌های قوی‌تر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری بیشتر همراه گردد که اینها به بهبود شرایط اقتصادی کمک می‌کنند.

به هر حال این بهبود شرایط مورد توجه قرار گرفته و به خوبی انجام می‌گیرد مگر آنکه اغتشاش در اقتصاد اروپا تقاضا برای صادرات این منطقه را کاهش داده و دسترسی به تأمین مالی تجارت و کالای ارزان‌تر را از بین ببرد. بنابراین از آنجا که شرایط داخلی حاکی از یک عکس‌العمل قوی در فعالیت‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۳ است، تولید واقعی و پیش‌بینی پایه نشان‌دهنده بهبود آرام شرایط است و رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده نفت شتاب گرفته و از ۱/۸ درصد در سال ۲۰۱۱ به ترتیب به ۲/۵ و ۳/۶ درصد در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ خواهد رسید. انتظار می‌رود روند بهبودی در کشورهایی که همچنان درگیری دارند کندتر باشد، اما با این وجود با توجه به میزان کاهش تولید در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ عکس‌العمل نسبت به شرایط موجود باید جدی‌تر و وسیع‌تر باشد.



مأخذ: بانک جهانی.

نمودار ۱۲. اصلاحات ۲۰۱۳ باید نمره بخش باشد



با توجه به روابط ضعیف موجود بین کشورهای این منطقه کشورهای مذکور به واسطه کانال تجاری، به ویژه نفت و کالاهای تولیدی بیش از کانالهای مالی تحت تأثیر رشد کند اقتصادی اروپا و جهان قرار خواهند گرفت.

در این منطقه صادرکنندگان نفت با کاهش تقاضا و قیمت نفت مواجه خواهند شد. واردکنندگان نفت که با اتحادیه اروپا روابط نزدیک دارند این ضعف را بیشتر از طریق تجارت کالا و در برخی موارد ارسال پول، لمس خواهند کرد. کشورهای واردکننده نفت که روابط نزدیکی با کشورهای GCC دارند (لبنان و اردن) بیشتر در امان خواهند بود، اما با این وجود همچنان تأثیرات غیرمستقیم کاهش فعالیتها در کشورهای GCC را درک خواهند کرد.

پیش‌بینی‌ها برای بازگشت نرخ رشد اقتصادی مصر و تونس به نرخ‌های دهه گذشته در دوره منتهی به سال ۲۰۱۳ امیدوارکننده نیست، چرا که انتظار می‌رود تقاضای اروپا کاهش یافته و روند ضعیف یکپارچگی مالی دولت (با توجه به بحران مالی بین‌المللی)، که امری ضروری است بر رشد اقتصادی آنها سایه بیندازد. با این وجود انتظار می‌رود GDP این کشورها از ۰/۳ درصد در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته و در سال ۲۰۱۳ به ۳/۱ درصد برسد که البته همچنان پایین‌تر از نرخ‌های بالقوه و روند رشد اقتصادی و حاکی از یک شکاف نزدیک به ۵ درصد در GDP سال ۲۰۱۳ است.

مراکش و اردن از اعتراض‌ها کمتر تأثیر پذیرفته‌اند. اجرای اصلاحات در این دو کشور و برگزاری انتخابات مجلس (مراکش) عوامل مهمی در مهار تنگناهای ساختار اجتماعی بوده‌اند.

پیش‌بینی شده است که رشد اقتصادی مراکش کندتر شده و از ۴/۳ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۴ درصد در سال ۲۰۱۲ برسد این حاکی از کاهش تقاضای اروپا است، اما انتظار می‌رود این رقم در سال ۲۰۱۳ به ۴/۲ درصد افزایش پیدا کند زیرا نشانه‌هایی از بهبود اقتصاد جهانی به چشم می‌خورد. انتظار می‌رود اردن نیز روند رشدی مشابه ولی کندتر داشته باشد و GDP این کشور از ۱/۷ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۳ درصد در سال ۲۰۱۳ برسد البته رشد GDP این کشور به دلیل کاهش صادرات به آمریکا کمی محدود شده، اما در مجموع رشد اقتصادی این منطقه به واسطه وضعیت بهتر اقتصادی کشورهای GCC تعدیل گردیده است.

انتظار می‌رود در کشورهای در حال توسعه که همچنان درگیری دارند (سوریه و یمن) این آشوب‌های اجتماعی و نظامی فعالیت‌های اقتصادی سال ۲۰۱۲ را تحت‌الشعاع قرار دهند، اما به محض تثبیت شرایط رشد اقتصادی آنها در سال ۲۰۱۳ به ۲/۹ درصد خواهد رسید.

در سایر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت از جمله ایران و الجزایر نرخ رشد متوسطی پیش‌بینی می‌گردد، بطوری که رشد اقتصادی آنها از ۲/۷ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۳ درصد در سال ۲۰۱۳ خواهد رسید.

جدول ۵. خلاصه پیش‌بینی‌های اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

پیش‌بینی		برآورد				
۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	-۰۷ ۹۸
<b>الجزایر</b>						
۲/۹	۲/۷	۳/۰	۱/۸	۲/۴	۲/۴	۳/۵ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
۶/۳	۸/۹	۱۰/۸	۸/۱	۰/۱	۲۰/۰	۲۸/۹ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>جمهوری عربی مصر</b>						
۰/۷	۳/۸	۱/۸	۵/۱	۴/۹	۷/۵	۴/۳ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
۱/۶	۱/۸	۱/۸	۱/۶	-۲/۰	-۰/۹	۰/۹ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>جمهوری اسلامی ایران</b>						
۳/۱	۲/۷	۲/۵	۳/۲	۳/۵	۲/۳	۴/۹ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
۴/۲	۶/۶	۸/۹	۶/۵	۴/۶	۱۵/۲	۱۰/۳ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>عراق</b>						
۱۰/۲	۱۲/۶	۹/۶	۰/۸	۴/۲	۹/۵	(GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
۶/۰	-۴/۵	-۱/۵	-۳/۲	-۱۳/۸	۱۹/۲	(تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>اردن</b>						
۳/۰	۱/۷	۲/۵	۲/۳	۵/۵	۷/۶	۵/۶ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
-۵/۲	-۶/۹	-۸/۵	-۴/۸	-۴/۴	-۹/۰	-۲/۳ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>لبنان</b>						
۴/۴	۳/۸	۳/۰	۷/۰	۸/۵	۹/۳	۲/۸ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
-۱۴/۶	-۱۷/۲	-۲۰/۶	-۲۰/۹	-۱۹/۷	-۱۳/۶	-۱۷/۵ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>مراکش</b>						
۴/۲	۴/۰	۴/۳	۳/۷	۴/۸	۵/۶	۳/۷ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
-۶/۷	-۷/۳	-۶/۷	-۴/۳	-۵/۴	-۵/۲	۱/۴ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>جمهوری عربی سوریه</b>						
۲/۵	-۱/۵	-۳/۰	۳/۲	۶/۰	۴/۵	۳/۳ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
-۷/۰	-۵/۰	-۲/۲	۵/۱	-۲/۳	۰/۱	۳/۰ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>تونس</b>						
۳/۲	۲/۵	-۰/۵	۳/۰	۳/۱	۴/۶	۴/۵ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
-۶/۰	-۵/۸	-۵/۸	-۴/۶	-۲/۷	-۴/۲	-۲/۸ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)
<b>جمهوری یمین</b>						
۳/۶	-۲/۶	-۶/۰	۸/۰	۳/۸	۳/۶	۸/۵ (GDP به قیمت بازار (در سال ۲۰۰۵ به دلار)
۲/۴	۵/۵	۹/۶	۷/۶	-۸/۳	-۴/۶	۲/۵ (تراز حساب جاری به GDP به درصد)

مأخذ: بانک جهانی.

## ۶. ریسک‌ها و آسیب‌پذیری‌ها

تزلزل‌های شدیدی در این منطقه وجود دارد اعتراضات دامنه‌دار، اجرای آرام اصلاحات سیاسی-اقتصادی و همچنین مواجهه با بحران واقعی در منطقه یورو از این دست هستند. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا خشونت مسلحانه-به ویژه در سوریه و یمن- که در سال ۲۰۱۲ حل و فصل نشده است یک ریسک مهم به شمار می‌رود. عامل متمایزکننده سوریه و یمن وجود یک نقشه راه برای یمن است که در قالب توافقنامه دوره گذار GCC در ۲۳ نوامبر تعیین شده است و بخش عظیمی از جامعه تمایل دارند با آن همکاری کنند. اما اگر این شرایط بی‌ثبات و متزلزل، علیرغم تلاش‌های دو جانبه و چندجانبه، برای مدت طولانی‌تری ادامه یابد این امر همچنان بر منطقه سایه خواهد افکند و احتمالاً عکس‌العمل و بهبود پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۱۳ محدود می‌گردد.

خاورمیانه و شمال آفریقا به شدت در معرض تشدید بحران در اروپا که روابط گسترده و محکم تجاری با آن دارند، کاهش گردشگران ورودی، ارسال وجوه کارگران مهاجر و همچنین کاهش میزان تأمین مالی هستند. با فرا رسیدن بهار عربی فرایند تصمیم‌گیری سیاستی به شدت مشکل شده است. ممکن است سیاست‌ها برای دفع کردن تأثیرات نامطلوب ناشی از شرایط اروپا و تحولات جایگزین احتمالی در جهت پایان بخشیدن به بحران آن قاره بار دیگر تغییر کنند، اگرچه در کشورهای واردکننده نفت و برخی کشورهای صادرکننده نفت منطقه فضا برای مانور دادن محدود است.

صادرات این منطقه به عنوان یک شریک تجاری مهم اروپا ممکن است تحت تأثیر بحران جدی اروپا و شرایط بسیار سخت مالی جهانی و همچنین از همه مهم‌تر کاهش قیمت‌ها قرار گیرد که این امر بطور بالقوه بر کشورهایی که دارای کسری حساب جاری و مالی دولتی هستند فشار وارد می‌کند. اگرچه ترکیب مشخص صادرکنندگان و واردکنندگان نفت و مواد غذایی در منطقه آمیخته‌ای از نتایج و آثار تجاری و مالی را تجربه خواهند کرد که این آثار برای اقتصادهای در حال گذار مثبت و برای کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت نامطلوب خواهد بود.

کشورهای واردکننده نفت منطقه از لحاظ شرایط مالی دولتی احتمالاً در مواردی که رکود قابل توجهی وجود دارد با افزایش کسری مواجه می‌گردند، در حالی که صادرکنندگان نفت هم از کاهش تقاضا و هم از کاهش درآمدهای ناشی از قیمت‌های پایین تأثیر می‌پذیرند.

با فرض اینکه کسری‌های مالی را می‌توان از طریق بازارهای سرمایه بین‌المللی جبران کرد آنگاه تأثیرات GDP می‌تواند برای واردکنندگان نفت بین ۱/۲- درصد تا ۰/۸- درصد و برای صادرکنندگان نفت بین ۰/۶- تا ۰/۲- درصد باشد. اگر تأمین سرمایه قریب‌الوقوع نباشد کشورهایی که انتظار می‌رود کسری حساب‌های جاری و دولتی آنها تشدید گردد احتمالاً مجبور به کاهش

شدید هزینه‌های خود خواهند شد (کسری مالی دولتی می‌تواند از ۳ درصد GDP مصر، اردن و تونس هم بالاتر رود).

تمام کشورهایی که سطح بدهی بالایی دارند در برابر شرایط سخت اعطاء اعتبارات بین‌المللی آسیب‌پذیر هستند. لبنان به خاطر نیاز نسبتاً شدید به تأمین سرمایه خارجی در معرض این مشکل قرار دارد. (بیانگر بازپرداخت‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بدهی‌ها و یا کسری شدید حساب جاری). در مجموع، ریسک‌های این منطقه با توجه به روابط گسترده بسیاری از کشورهای آن با اروپا و وابستگی به قیمت کالاها بسیار بالا است. این کشورها باید اقداماتی بنیادین در جهت اصلاحات گسترده برای رشد همه‌جانبه اقتصادی، حفظ ثبات اقتصادی، اعتمادسازی، مهار انتظارات و بدست آوردن منافع بلندمدت تغییرات تاریخی انجام دهند.

#### ۷. ملاحظات

کشورهای دارای درآمد کم و متوسط که این گزارش شامل آنها شده عبارتند از: الجزایر، جمهوری عربی مصر، جمهوری اسلامی ایران، اردن، لبنان، مراکش، جمهوری عربی سوریه، تونس و یمن. متأسفانه برای آنکه جیبوتی، عراق، لیبی و کرانه باختری و غزه نیز در گزارش گنجانده شوند داده‌های کافی وجود نداشت. اقتصادهای پردرآمد در اینجا شامل، بحرین، کویت، عمان و عربستان سعودی می‌شدند. داده‌های مربوط به قطر و امارات متحده عربی کافی نبود. گروه صادرکنندگان نفت در حال توسعه شامل الجزایر، ایران، مصر و یمن می‌گردید. اقتصادهای متنوع این منطقه (واردکنندگان نفت خام و مصر به دلیل سهم کمتر هیدروکربن‌ها در صادرات آنها در این گروه آورده شده‌اند) را می‌توان در دو گروه تقسیم‌بندی کرد که این دو گروه عبارتند از کشورهایی که رابطه مستحکمی با کشورهای GCC دارند (لبنان و اردن) و آنهایی که رابطه تنگاتنگی با اتحادیه اروپا دارند (جمهوری عربی مصر، مراکش و تونس). سایر گروه‌ها عبارتند از کشورهایی که دارای منابع ضعیف و نیروی کار فراوان هستند شامل مصر، اردن، لبنان، مراکش، تونس و کشورهایی که دارای منابع غنی و نیروی کار فراوان هستند شامل الجزایر، سوریه، ایران و یمن.

- باید توجه داشت که سهم صادرات در GDP در کشورهای واردکننده حوزه MENA برخلاف کشورهای آسیای شرقی و منطقه پاسیفیک، سهم بسیار کوچکی است که این امر تأثیرات نامطلوب بر عوامل رشد را تشدید می‌کنند و حمل و نقل کالا به اروپا کندتر صورت می‌گیرد.
- نمودار شاخص جهانگردی سازمان جهانی جهانگردی سازمان ملل (UNWTO). سازمان جهانی جهانگردی سازمان ملل، ۲۰۱۱، مادرید.

- چشم‌انداز اقتصادی منطقه‌ای. خاورمیانه و آسیای میانه. نظرسنجی‌های مالی و اقتصادی جهان. اکتبر سال ۲۰۱۱، واشنگتن دی‌سی صندوق بین‌المللی پول.
- نرخ‌های تورمی که در این گزارش آورده شده است نرخ‌های فصلی تنظیم شده سالانه (Saar) هستند. که این نسبتی از میانگین‌های متحرک سه ماهه شاخص‌های قیمت مصرف‌کننده است. این نرخ‌ها دیدگاهی روشن‌تر از پیشرفت‌های کنونی و نقاط عطف سری‌های زمانی مقایسه شده با نرخ‌های رشد سال به سال - به ویژه انحرافات بالا و پایین دوره‌های زمانی - ارائه می‌دهد. باید توجه شود که ممکن است اعداد CPI مغایر با معیار سال به سال که بیشتر مورد استفاده است به نظر آید.
- در سال ۲۰۰۸ نیمی از کالاهای صادراتی کشورهای واردکننده نفت به بازارهای اتحادیه اروپا صادر شد که این رقم در سال ۱۹۹۸، ۶۵ درصد بود. وجوه ارسالی توسط کارگران مهاجری که در اروپا زندگی می‌کنند برای کشورهای مراکش و تونس نسبت به سایر کشورهای MENA بسیار بیشتر بود. داده‌های سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که ۷۵ درصد مهاجران مراکش و تونس در اتحادیه اروپا ساکن هستند، در صورتی که این رقم برای مصر ۱۰ درصد است.

